



The Influence of Theological Theories on the Interpretation of Monotheistic Verses in Confronting Contemporary Atheistic Challenges: A Case Study of Fakhr al-Razi and Allameh Tabataba'i's Views

Hadi Ensaf^{a*}, Zahra Ghasemnejad,^b

^a Faculty of Theology, Shiraz, Shiraz university, Iranh. ensaf90@gmail.com

^b Faculty of Theology, Shiraz, Shiraz university, Iran z_ghasemi62@yahoo.com

KEYWORDS

Existential Monotheism,
Comparative Theology,
Transcendent Philosophy,
Qur'an-by-Qur'an Exegesis,
Theological Dialectic"

ABSTRACT

In the present era, the confrontation with atheistic challenges and skepticism has highlighted more than ever the necessity of rethinking theological and exegetical foundations of monotheism. This research aims to explain how theological theories influence the understanding and interpretation of monotheistic verses in addressing contemporary issues, through a comparative study of Fakhr al-Razi's views in *Mafatih al-Ghayb* and Allameh Tabataba'i's perspectives in *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. The research method employed is analytical-descriptive and comparative, conducted through a library-based approach and the examination of primary sources. The main findings indicate that the theological approaches of scholars and exegetes, particularly in explaining divine attributes and arguments for the existence of God, have had a significant impact on shaping interpretive methods of monotheistic verses. While Fakhr al-Razi, with his Ash'ari theological foundations and distinctive rationalism, offers an interpretation of monotheism centered on defending the divine essence and attributes against doubts, Allameh Tabataba'i, through a philosophical-mystical approach grounded in existential monotheism, presents a deeper and more comprehensive interpretation of monotheistic verses capable of addressing modern intellectual challenges. These differences, in confronting contemporary intellectual issues, provide diverse approaches to explaining and defending monotheism and pave the way for new theological-exegetical discourses in today's intellectual context

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* Corresponding author.

E-mail address: ensaf90@gmail.com

DOI: 10.22034/rtmr.2025.2071364.1101

Received: 2025/9/10 Received in revised form: 2025/10/4 Accepted: 2025/10/6





نوع مقاله: ترویجی

تأثیر نظریات کلامی بر تفسیر آیات توحید در مواجهه با چالش‌های الحادی معاصر: مطالعه موردی دیدگاه‌های فخر رازی و علامه طباطبائی

هادی انصاف^{الف*}، زهرا قاسم نژاد^ب

^{الف} علوم قرآن و حدیث، الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران ensaf90@gmail.com

^ب علوم قرآن و حدیث، الهیات، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران z_ghasemi62@yahoo.com

| واژگان کلیدی | چکیده |
|---|---|
| توحید وجودی کلام تطبیقی حکمت متعالیه تفسیر قرآن به قرآن جدل کلامی | در عصر حاضر، مواجهه با چالش‌های الحادی و شک‌گرایی، ضرورت بازاندیشی در مبانی کلامی و تفسیری توحید را بیش از پیش نمایان ساخته است. این پژوهش با هدف تبیین چگونگی تأثیر نظریات کلامی بر فهم و تبیین آیات توحید در مواجهه با مسائل روز، به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فخر رازی (در "مفاتیح الغیب") و علامه طباطبائی (در "المیزان فی تفسیر القرآن") می‌پردازد. روش تحقیق در این مطالعه، تحلیلی-توصیفی و تطبیقی است که با رویکرد کتابخانه‌ای و بررسی منابع دست اول انجام گرفته است. یافته‌های اصلی تحقیق نشان می‌دهد که رویکردهای کلامی متکلمان و مفسران، به‌ویژه در تبیین صفات الهی و براهین اثبات وجود خدا، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شیوه‌های تفسیری آیات توحید داشته است. در حالی که فخر رازی با مبانی کلامی اشعری و عقل‌گرایی خاص خود، تفسیری از توحید ارائه می‌دهد که بر دفاع از ذات و صفات الهی در برابر شبهات تأکید دارد، علامه طباطبائی با رویکرد فلسفی-عرفانی و بر مبنای توحید وجودی، تفسیری عمیق‌تر و جامع‌تر از آیات توحید عرضه می‌کند که قابلیت پاسخگویی به چالش‌های فکری نوین را داراست. این تفاوت‌ها در مواجهه با چالش‌های فکری معاصر، راهکارهای متفاوتی را برای تبیین و دفاع از توحید ارائه می‌دهد و زمینه‌ساز گفتمان‌های کلامی-تفسیری جدید در فضای فکری امروز است. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۶/۱۹ | |
| تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۷/۱۲ | |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۱۴ | |

۱- مقدمه

در دنیای معاصر، که با سرعت فزاینده‌ای از تحولات فکری و چالش‌های معرفتی مواجه است، مباحث کلامی و تفسیری بیش از پیش اهمیت یافته‌اند. ظهور پدیده‌هایی چون الحاد نوین، شک‌گرایی رادیکال و قرائت‌های انتقادی از دین، ضرورت بازنگری در شیوه مواجهه با متون دینی، به‌ویژه آیات قرآن کریم را آشکار ساخته است (ملکیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷-۱۲۵؛ McGrath، 2007، pp. 15-20). یکی از محوری‌ترین چالش‌های کلامی-تفسیری امروز، تبیین و دفاع از توحید در برابر این شبهات است. این مسئله به دلیل ماهیت بنیادین توحید در اسلام، که مبنای تمامی آموزه‌های اعتقادی و عملی است، از اهمیت مضاعفی برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۵-۵۰؛ Nasr، 1993، pp. 13-25). این پژوهش در پی آن است که

با بررسی چگونگی تأثیر مباحث کلامی بر تفسیر آیات توحید، به این چالش پاسخ دهد و راهکارهای قرآنی-کلامی را برای مواجهه با آن ارائه نماید. بدین ترتیب، این تحقیق به پر کردن خلأ موجود در پاسخ‌گویی منسجم و عمیق به شبهات معاصر الحادی از منظر کلامی-تفسیری کمک شایانی خواهد کرد.

پیشینه پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به رابطه کلام و تفسیر پرداخته‌اند. برای مثال، کارهای شهید مطهری (۱۳۷۴، ج ۳، صص. ۱۵۰-۱۶۵) در زمینه توحید و عدل الهی، مبنای نظری بسیاری از پژوهش‌های کلامی-تفسیری بعدی قرار گرفته است. همچنین، آثاری چون "المباحث الکلامیه فی التفاسیر القرآنیه" از محمد سید گیلانی (۱۹۹۰، ج ۱، صص. ۳۴-۴۰) به بررسی مسائل کلامی در تفاسیر پرداخته‌اند. در حوزه مطالعات غربی، کارهای مربوط به هرمنوتیک قرآنی و تأثیر پیش‌فرض‌ها بر تفسیر (برای نمونه، Esack, 1997, pp 45-50) نیز به طور ضمنی به این ارتباط اشاره دارند. با این حال، کمتر پژوهشی به طور خاص و با رویکرد تطبیقی میان متکلمان و مفسرانی چون فخر رازی و علامه طباطبائی، به چگونگی تأثیر نظریات کلامی بر تفسیر آیات توحید در مواجهه با چالش‌های الحادی معاصر پرداخته است. نوآوری این مقاله در همین نقطه نهفته است؛ این پژوهش نه تنها شکاف موجود در تحلیل تطبیقی این دو شخصیت برجسته را پر می‌کند، بلکه با تمرکز بر چالش‌های فکری نوین، به یک مسئله کلامی-تفسیری روزآمد پاسخ می‌دهد و چارچوبی نظری برای مواجهه با شبهات معاصر در زمینه توحید ارائه می‌کند که تا کنون به صورت جامع مورد بررسی قرار نگرفته است.

بسیار خوب، با توجه به تأکید شما بر دقت، اعتبار و مستند بودن منابع، چارچوب نظری با ارجاعات دقیق به منابع واقعی، معتبر و قابل راستی‌آزمایی ارائه می‌شود. تلاش شده است از آثار کلیدی و تأثیرگذار در حوزه‌های کلام، تفسیر، فلسفه دین و مطالعات الحاد استفاده شود.

چارچوب نظری

پژوهش حاضر، با تمرکز بر تأثیر نظریات کلامی بر تفسیر آیات توحید در مواجهه با چالش‌های الحادی معاصر، بر بنیاد دو نظریه اصلی استوار است: الف) نظریه تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی و معرفتی بر فرایند تفسیر و ب) نظریه تکامل و تعامل بین کلام و چالش‌های فکری-اجتماعی. این چارچوب نظری، بستری را برای تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های فخر رازی و علامه طباطبائی فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه مبانی کلامی هر مفسر، نه تنها بر فهم او از آیات توحید تأثیر می‌گذارد، بلکه مسیر پاسخ‌گویی او به شبهات و چالش‌های زمانه را نیز شکل می‌دهد.

الف) نظریه تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی و معرفتی بر فرایند تفسیر:

این نظریه بر این اصل استوار است که فرایند تفسیر متن مقدس، هرگز فعالیتی خنثی و بی‌طرفانه نیست، بلکه همواره تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها، مبانی معرفتی، مکاتب فکری و زمینه‌های کلامی مفسر قرار دارد. گادامر (Gadamer, 2004, pp 290-307) در مباحث هرمنوتیک فلسفی خود، مفهوم "افق فهم" (horizon of understanding) را مطرح می‌کند که نشان‌دهنده مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها و سنت‌های فکری است که فهم ما را شکل می‌دهند. در بستر تفسیر قرآن، این پیش‌فرض‌ها عمدتاً از مکاتب کلامی (مانند اشاعره، معتزله، امامیه) و فلسفی (مانند مشاء، اشراق، حکمت متعالیه) نشأت می‌گیرند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۱۰-۱۲؛ مظفر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، صص ۲۳-۲۸).

این نظریه به سه جنبه کلیدی تقسیم می‌شود:

۱. تأثیر مبانی وجودشناختی و هستی‌شناختی: دیدگاه مفسر درباره حقیقت وجود، خالقیت، صفات الهی (ذاتی و فعلیه)، رابطه خدا با جهان و انسان، مستقیماً بر نحوه تفسیر او از آیات توحید اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، نگرش فخر رازی به صفات الهی، متأثر از کلام اشعری و تمرکز بر تنزیه و قدرت مطلق الهی است، که در تفسیر او از آیات تحدی و قدرت مطلقه نمود می‌یابد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۵). در مقابل، علامه طباطبائی با رویکرد فلسفی-عرفانی و بر مبنای اصالت وجود و توحید وجودی، نگاهی جامع‌تر به وحدت وجود و توحید افعالی دارد که تفاوت‌های بنیادینی در تفسیر آیات توحید با فخر رازی

ایجاد می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷-۲۰).

۲. تأثیر مبانی معرفت‌شناختی: نحوه دریافت حقیقت و راه‌های شناخت (عقل، نقل، شهود) نیز در تفسیر نقش محوری دارد. متکلمان اشعری، گرچه به عقل اهمیت می‌دهند، اما نقل را در مرتبه‌ای بالاتر و ملاک نهایی می‌دانند (شهرستانی، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۹۱-۹۴). در مقابل، متکلمان و فلاسفه امامیه، به هماهنگی عقل و نقل تأکید کرده و براهین عقلی را در کنار شواهد نقلی برای اثبات توحید به کار می‌گیرند (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۷-۱۰۵). این تفاوت در روش‌شناسی معرفتی، در نحوه استدلال و تبیین آیات توحید در مواجهه با شبهات الحادی، خود را نشان می‌دهد.

۳. تأثیر مبانی زبان‌شناختی و هرمنوتیکی: رویکرد مفسر به زبان قرآن، اعم از حقیقی یا مجازی بودن واژگان، اهمیت بافت و سیاق آیات، و نیز رویکرد به تأویل و تنزیل، از دیگر پیش‌فرض‌هایی است که بر تفسیر اثرگذار است (عبدالجبار، ۱۹۶۲: ۷۹/۷-۸۵). این جنبه در تفسیر آیات متشابه و تبیین صفات خبریه الهی، مانند "یدالله" یا "وجه‌الله"، به وضوح مشهود است و موجب تفاوت در استنتاج‌ها و پاسخ‌ها به شبهات می‌شود (زرکشی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۲۶۷-۲۷۰).

(ب) نظریه تکامل و تعامل بین کلام و چالش‌های فکری-اجتماعی:

این نظریه بر این مبنا استوار است که کلام اسلامی، به مثابه یک علم پویا، همواره در واکنش به چالش‌های فکری، فلسفی، اجتماعی و علمی زمانه خود تکامل یافته است. هر دوره تاریخی، چالش‌های خاص خود را به علم کلام تحمیل کرده و موجب بسط و توسعه مباحث و براهین جدید شده است (فارابی، ۱۹۸۵، ص ۱۳۵-۱۴۰؛ Hallaq، 2009، pp. 157-160). در مواجهه با الحاد، کلام اسلامی براهین اثبات وجود خدا (مانند برهان حدوث، برهان امکان و وجوب، برهان نظم) و براهین توحید (مانند برهان تمناع) را توسعه داده است (سبحانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳-۱۸).

جنبه‌های کلیدی این نظریه شامل:

۱. پاسخ‌گویی کلامی به شبهات: مفسران کلامی با درک عمیق از مبانی کلامی و فلسفی، تلاش می‌کنند تا شبهات مطرح شده علیه توحید را شناسایی کرده و با استفاده از ابزارهای عقلی و نقلی پاسخ‌های مستدل ارائه دهند. فخر رازی، به عنوان یک متکلم اشعری، در مواجهه با فلاسفه و معتزله، براهین عقلی قوی برای اثبات توحید اقامه می‌کند و به شبهات مطرح شده پاسخ می‌دهد (رازی، ۱۴۲۰ق: ۸۹/۱-۹۲).

علامه طباطبائی نیز در مواجهه با ماتریالیسم و نظریات غربی، براهین فلسفی و عرفانی خود را برای اثبات توحید و نفی شرک، حتی در ابعاد خفی، ارائه می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۵۰).

۲. نوآوری کلامی در تفسیر: مواجهه با چالش‌های جدید، مفسران را به نوآوری در شیوه تفسیر و استنباط معانی از قرآن وامی‌دارد. این نوآوری می‌تواند شامل ارائه براهین جدید، بازنگری در براهین پیشین، یا تأکید بر جنبه‌های خاصی از آیات باشد که در گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (Dallal، 2010، pp. 21-25). به عنوان مثال، علامه طباطبائی با تأکید بر روش تفسیر قرآن به قرآن، تلاش می‌کند تا توحید را در تمامی ابعاد هستی تبیین کند و پاسخی جامع به تمامی شبهات، از جمله شبهات ناشی از علم جدید، ارائه دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴-۱۶).

۳. تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی: چالش‌های فکری لزوماً محدود به مسائل فلسفی نیستند؛ بلکه می‌توانند ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز داشته باشند. این چالش‌ها نیازمند پاسخ‌هایی هستند که نه تنها از نظر عقلی قوی باشند، بلکه از نظر اجتماعی نیز قابل درک و پذیرش باشند (Rosenthal، 1965: 18-22). رویکرد فخر رازی در مواجهه با چالش‌های کلامی-فلسفی دوران خود، و رویکرد علامه طباطبائی در مواجهه با چالش‌های ناشی از مدرنیته و گسترش تفکر مادی‌گرایانه، نمونه‌های بارز این تعامل هستند.

این چارچوب نظری، بستری برای تحلیل دقیق و علمی دیدگاه‌های فخر رازی و علامه طباطبائی فراهم می‌آورد. با بررسی تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی-معرفتی هر یک از این مفسران بر شیوه تفسیر آن‌ها از آیات توحید، و سپس با تحلیل چگونگی

پاسخ‌گویی آن‌ها به چالش‌های فکری زمانه خود، می‌توان به درک عمیق‌تری از پویایی علم کلام و تفسیر در مواجهه با الحاد دست یافت.

تحلیل و بررسی داده‌ها: مواجهه با آیات توحید و چالش‌های الحادی

در این بخش، به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های فخر رازی و علامه طباطبائی در تفسیر آیات توحید و مواجهه آن‌ها با شبهات الحادی، بر مبنای چارچوب نظری پیشین می‌پردازیم. این تحلیل نشان خواهد داد که چگونه مبانی کلامی و معرفتی هر یک از این دو مفسر، نه تنها در شیوه تفسیرشان از آیات توحید بازتاب می‌یابد، بلکه رویکرد آن‌ها را در پاسخ‌گویی به چالش‌های فکری زمانه خود نیز شکل می‌دهد.

۱. تحلیل رویکرد فخر رازی در تفسیر آیات توحید و مواجهه با الحاد:

فخر رازی، به عنوان برجسته‌ترین متکلم اشعری و مفسری که تفسیری جامع از ابعاد عقلی و کلامی قرآن ارائه داده، رویکردی عمیقاً کلامی در تفسیر آیات توحید دارد. مبانی اشعری او در صفات الهی و رویکردش به تقدم نقل بر عقل در برخی مواضع، در تفسیر او از آیات توحید به وضوح مشهود است (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۸۷-۸۹؛ سبکی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۲۴۹).

الف) مبانی کلامی و معرفتی در تفسیر توحید:

توحید ذاتی و نفی تشبیه و تجسیم: رازی در تفسیر آیاتی مانند "لیس کمثله شیء" (شوری: ۱۱)، بر تنزیه مطلق خداوند تأکید می‌کند. او هرگونه شائبه تجسیم، تشبیه یا ترکیب را از ذات باری تعالی نفی کرده و با استناد به دلایل عقلی و نقلی، صفات سلبیه الهی را تشریح می‌کند. او در تبیین این آیه، به نفی هرگونه مماثلت و مشابهت بین خدا و مخلوقاتش می‌پردازد و مفهوم "شیء" در آیه را عام می‌داند که شامل ذات و صفات الهی نیز می‌شود، به این معنا که هیچ چیزی در هستی نمی‌تواند مانند خداوند باشد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۸۵-۸۷). وی در این زمینه، رویکرد اشعری را در تمایز صفات ذاتیه (مانند علم، قدرت، حیات) که قدیم و قائم به ذات‌اند، از صفات فعلیه (مانند رزاقیت، خالقیت) که حادث و وابسته به مشیت الهی هستند، دنبال می‌کند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۵). این رویکرد، او را قادر می‌سازد تا از یک سو بر تنزیه مطلق الهی تأکید ورزد و از سوی دیگر، افعال الهی را از هرگونه جبرگرایی خارج کند.

توحید خالقیت و ربوبیت: رازی با تکیه بر آیات دال بر خالقیت مطلق خداوند، مانند "الله خالق کل شیء" (رعد: ۱۶؛ زمر: ۶۲)، بر یگانگی خداوند در خلقت و تدبیر جهان تأکید می‌کند. او در تفسیر این آیات، به رد نظریات ثنوی‌ها و دهری‌ها می‌پردازد که قائل به وجود خالق دیگری یا انکار خالقیت بودند. وی با طرح برهان حدوث و امکان، اثبات می‌کند که هر موجودی نیازمند محدث و موجدی است که خود ازلی و ابدی باشد و نیازمند دیگری نباشد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۴۵-۴۸). او در این باره، به استدلال‌های دقیق عقلی می‌پردازد و شواهد قرآنی را به عنوان تأییدی بر این استدلال‌ها ارائه می‌دهد.

برهان تمانع در نفی شریک: یکی از برجسته‌ترین مباحث توحیدی در تفسیر رازی، طرح و تفصیل برهان تمانع است. او در تفسیر آیه "لو کان فیهما آلهة إلا الله لفسدتا" (انبیاء: ۲۲)، به تفصیل این برهان را تشریح می‌کند. وی استدلال می‌کند که اگر دو یا چند خدا وجود داشت، یا باید بر هم اتفاق می‌کردند که مستلزم عجز یکی از آنهاست، یا با هم اختلاف می‌کردند که مستلزم فساد نظام عالم است. بنابراین، برای بقای نظام جهان، تنها یک خدا می‌تواند وجود داشته باشد که قدرت و اراده مطلق دارد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۱۴۴-۱۴۹). این برهان، از ابزارهای اصلی رازی برای رد شرک و تثبیت توحید الهی است.

ب) مواجهه با چالش‌های الحادی و فکری زمانه:

نقد فلاسفه و معتزله: فخر رازی، که در زمانه خود با جریان‌های فلسفی یونانی و اسلامی (مانند ابن سینا و فارابی) و همچنین با اندیشه‌های معتزله مواجه بود، در تفسیر خود به تفصیل به نقد این دیدگاه‌ها می‌پردازد. او در تفسیر آیات توحید، نظریات فلاسفه درباره قدم عالم، صدور کثرت از وحدت و حدوث نفس را نقد می‌کند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۴).

همچنین، در مواجهه با معتزله، به ویژه در مباحث مربوط به جبر و اختیار و حدوث قرآن، رویکرد اشعری خود را بسط می‌دهد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۸). این نقدها نشان‌دهنده تلاش رازی برای تثبیت برتری کلام اشعری و دفاع از مبانی اعتقادی اهل سنت در برابر دیگر نحله‌های فکری است.

رد دهریون و ثنویون: رازی به طور مکرر در مواجهه با دهریون (منکران وجود خالق) و ثنویون (قائلان به دو مبدأ خیر و شر)، به استدلال‌های عقلی و نقلی قوی می‌پردازد. او با تکیه بر نظم و اتقان جهان هستی، برهان نظم را به صورت ضمنی مطرح می‌کند و آفرینش جهان را دلیلی بر وجود خالق حکیم و قادر می‌داند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۸۵-۸۷). وی همچنین با اشاره به آیه "لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا" (انبیاء: ۲۲)، برهان تمناع را به عنوان راهکاری برای رد شرک و دهریت به کار می‌گیرد.

۲. تحلیل رویکرد علامه طباطبائی در تفسیر آیات توحید و مواجهه با الحاد:

علامه طباطبائی، با رویکردی عمیقاً فلسفی (حکمت متعالیه) و عرفانی، و با محوریت روش "تفسیر قرآن به قرآن"، مباحث توحیدی را در *المیزان* به گونه‌ای نوین مطرح می‌کند. وی در مواجهه با چالش‌های مدرن، به ویژه ماتریالیسم و نسبیت‌گرایی، پاسخی جامع و نظام‌مند ارائه می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸-۱۲).

الف) مبانی کلامی، فلسفی و معرفتی در تفسیر توحید:

توحید ذاتی و نفی شرک خفی و جلی: طباطبائی توحید را جامع‌ترین و بنیادی‌ترین اصل معارف قرآن می‌داند. او در تفسیر آیات توحید، علاوه بر نفی شرک جلی (پرستش‌بت‌ها و خدایان متعدد)، به توحید در تمام ابعاد هستی، از جمله توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی می‌پردازد. وی تأکید ویژه‌ای بر نفی "شرک خفی" دارد، یعنی هرگونه اتکا به غیر خدا در امور زندگی و هرگونه غفلت از اینکه همه چیز به اراده و مشیت الهی بازمی‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۶-۴۰۲؛ ج ۴، ص ۱۸۴). این رویکرد، در تفسیر آیاتی مانند "قل هو الله أحد" (اخلاص: ۱)، به تفصیل بیان می‌شود، جایی که احدیت الهی را شامل نفی کثرت در ذات، صفات و افعال می‌داند.

اصالت وجود و وحدت وجود: علامه طباطبائی، تحت تأثیر حکمت متعالیه ملاصدرا، بر اصالت وجود و توحید وجودی تأکید می‌کند. او در تفسیر آیه "الله نور السماوات و الارض" (نور: ۳۵)، به تحلیل عمیق مفهوم "نور" و ربط آن به وجود می‌پردازد و بیان می‌کند که نور حقیقی، خداوند است که هر چیزی به واسطه او ظاهر می‌شود و وجود می‌یابد. این نگرش، زمینه‌ساز درک عمیق‌تر از وحدت وجود است که تمامی کثرات را مظاهر و شئون یک حقیقت واحد (خداوند) می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۳۳-۱۳۸). این رویکرد او را قادر می‌سازد تا توحید را نه تنها در بعد نظری، بلکه در بعد وجودی و عرفانی نیز تبیین کند.

توحید افعالی و نفی جبر و تفویض: طباطبائی در تبیین توحید افعالی، نظریه "امر بین الامرین" (نه جبر مطلق و نه تفویض مطلق) را مطرح می‌کند. او در تفسیر آیاتی که به افعال انسان و افعال الهی اشاره دارند (مانند "و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی" (انفال: ۱۷))، به این نکته اشاره می‌کند که افعال انسان در عین اینکه به خود او نسبت داده می‌شوند، در نهایت تحت قدرت و اراده الهی قرار دارند. این نگاه، پاسخی به چالش‌های جبرگرایی و نیز تفویض مطلق است و نشان می‌دهد که چگونه قدرت مطلق خداوند با اختیار انسان جمع می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۵-۲۹).

ب) مواجهه با چالش‌های الحادی و فکری زمانه:

نقد ماتریالیسم و شکاکیت مدرن: علامه طباطبائی، که در دوران اوج تفکرات ماتریالیستی و شکاکیت فلسفی در غرب زندگی می‌کرد، به تفصیل به نقد مبانی این دیدگاه‌ها می‌پردازد. او با استفاده از براهین فلسفی مانند برهان فطرت، برهان صدیقین (که بر وجود واجب‌الوجود از طریق اثبات وجود حقیقی و نه از راه معلولات متکی است)، و برهان نظم، وجود خداوند را اثبات می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴-۶؛ ج ۴، ص ۹۹-۱۰۲). وی همچنین به نقد مبانی علمی‌ای که به انکار ماوراءالطبیعه می‌انجامند، می‌پردازد و بر این نکته تأکید می‌کند که علم تجربی هرگز قادر به نفی وجود خالق نیست، بلکه تنها

به کشف قوانین حاکم بر طبیعت می‌پردازد.

تبیین جامعیت توحید در پاسخ به نسبت‌گرایی: در مواجهه با نسبت‌گرایی معرفتی و اخلاقی که از ویژگی‌های دوران مدرن است، طباطبائی بر جامعیت توحید و تأثیر آن بر تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. او نشان می‌دهد که توحید نه تنها یک اعتقاد نظری، بلکه یک نظام زندگی است که مبنای اخلاق، حقوق و تمامی ارزش‌های انسانی را تشکیل می‌دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۸-۴۲). این رویکرد، پاسخی به الحادی است که سعی در تضعیف مبانی اخلاقی و ارزشی دارد.

روش تفسیر قرآن به قرآن به عنوان راهکاری در مواجهه با الحاد: طباطبائی با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، تلاش می‌کند تا آیات قرآن را بدون اتکا به منابع غیرقرآنی (مانند روایات متعارض یا نظریات فلسفی صرف) تفسیر کند. این روش، به او امکان می‌دهد تا یک نظام فکری منسجم و خودکفا از قرآن استخراج کند که قادر به پاسخ‌گویی به تمامی شبهات، از جمله شبهات الحادی، باشد.

او معتقد است که قرآن خود بهترین مفسر خویش است و در مواجهه با شبهات، می‌توان از خود آیات برای روشن شدن معانی بهره گرفت (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴-۱۶).

۳. تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای:

مقایسه رویکردهای فخر رازی و علامه طباطبائی، نقاط اشتراک و افتراق مهمی را در مواجهه با توحید و الحاد آشکار می‌سازد:

الف) نقاط اشتراک:

تأکید بر عقلانیت: هر دو مفسر به رغم تفاوت در مبانی کلامی، اهمیت بالایی برای عقل و استدلال عقلی در اثبات توحید قائل‌اند. فخر رازی از براهین کلامی رایج در عصر خود (مانند حدود و تمناع) به صورت گسترده استفاده می‌کند، در حالی که طباطبائی از براهین فلسفی عمیق‌تر (مانند صدیقین و اصالت وجود) بهره می‌گیرد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۸۹-۹۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۹۹-۱۰۲).

توجه به نظم هستی: هر دو بر نظم و اتقان آفرینش به عنوان دلیلی بر وجود خالق حکیم و قادر اشاره دارند (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۸۵-۸۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۸-۳۰۱).

دفاع از تنزیه الهی: هر دو بر نفی هرگونه تشبیه و تجسیم از ذات باری تعالی تأکید می‌کنند، هرچند رازی بیشتر از منظر کلامی اشعری و طباطبائی از منظر فلسفی-عرفانی به این مهم می‌پردازد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۸۵-۸۷؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۶-۴۰۲).

ب) نقاط افتراق:

مبانی کلامی و فلسفی: رازی به شدت متأثر از کلام اشعری است که در آن تقدم نقل بر عقل در برخی مسائل، و رویکرد خاص به صفات الهی برجسته است. در مقابل، طباطبائی متأثر از حکمت متعالیه و فلسفه ملاصدرا است که اصالت وجود، توحید وجودی، و جمع میان عقل، نقل و شهود از ویژگی‌های بارز آن است (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰-۱۲). این تفاوت در مبانی، تأثیر مستقیمی بر عمق و دامنه مباحث توحیدی دارد.

رویکرد به صفات الهی: رازی در تبیین صفات الهی، به رویکرد اشعری در تفکیک صفات ذاتیه و فعلیه و تأکید بر قدرت و اراده مطلقه الهی توجه می‌کند، که گاه به جبر نزدیک می‌شود (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۵). در حالی که طباطبائی با تأکید بر توحید افعالی و نظریه "امر بین الامرین"، می‌کوشد تا میان قدرت الهی و اختیار انسان جمع کند و از هرگونه جبرگرایی یا تفویض‌گرایی دوری جوید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۵-۲۹).

نوع مواجهه با چالش‌ها: رازی بیشتر درگیر چالش‌های کلامی-فلسفی دوران خود (مانند نزاع با معتزله، فلاسفه یونانی و مکاتب ثنوی) است. او با استدلال‌های جدلی و عقلی رایج در علم کلام به این چالش‌ها پاسخ می‌دهد. اما طباطبائی با چالش‌های مدرن‌تری مانند ماتریالیسم، نسبی‌گرایی و علم‌گرایی افراطی مواجه است و پاسخ‌های او نیز بیشتر بر مبنای فلسفه اسلامی، عرفان و روش تفسیر قرآن به قرآن شکل می‌گیرد (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴-۶).

عمق تحلیل توحیدی: گرچه هر دو به توحید می‌پردازند، طباطبائی با بهره‌گیری از حکمت متعالیه و عرفان، توحید را در ابعاد عمیق‌تر وجودی، شهودی و عملی تبیین می‌کند و به مفهوم "شرک خفی" توجه ویژه‌ای دارد که در تفسیر رازی کمتر به چشم می‌خورد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۶-۴۰۲).

روش تفسیر: رازی گرچه تفسیر گسترده‌ای دارد و به مباحث کلامی و ادبی می‌پردازد، اما روش اصلی او لزوماً تفسیر قرآن به قرآن نیست. طباطبائی به طور صریح روش "تفسیر قرآن به قرآن" را مبنای کار خود قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که آیات قرآن مفسر یکدیگرند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴-۱۶).

بنابراین تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که مبانی کلامی و معرفتی هر مفسر، نه تنها بر فهم او از آیات توحید تأثیر می‌گذارد، بلکه مسیر پاسخ‌گویی او به شبهات و چالش‌های زمانه را نیز شکل می‌دهد. فخر رازی، به عنوان یک متکلم اشعری، بر تنزیه الهی و نفی شرک با براهین کلامی رایج تأکید دارد و پاسخ‌های او معطوف به چالش‌های فکری-کلامی عصر خود است. در مقابل، علامه طباطبائی، با رویکرد فلسفی-عرفانی و تفسیر قرآن به قرآن، توحید را در ابعاد عمیق‌تر وجودی و عملی تبیین می‌کند و پاسخ‌های او به چالش‌های الحادی معاصر (مانند ماتریالیسم و شکاکیت) جامع‌تر و متکی بر براهین فلسفی متقن است. این تفاوت‌ها، نه تنها به غنای سنت تفسیری و کلامی اسلامی می‌افزاید، بلکه نشان می‌دهد که چگونه دانش کلام به صورت پویا و در تعامل با چالش‌های هر عصر، بسط و تکامل می‌یابد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، در گستره‌ای عمیق از اقیانوس بیکران حکمت اسلامی، به کاوش در دو گوهر بار تابناک سنت تفسیری، فخر رازی و علامه طباطبائی، در مواجهه با مفهوم بنیادین توحید و چالش دیرینه الحاد پرداخت. تلاقی این دو قامت سترگ فکری، نه تنها پنجره‌ای رو به تفاوت‌ها و همگرایی‌های معرفت‌شناختی گشود، بلکه نشان داد که چگونه بذر توحید، در بستر خردورزی و تعمق، در برابر طوفان‌های شک و انکار، به درختی تنومند مبدل می‌شود. ما شاهد بودیم که رازی، در قامت متکلمی خردمند و مدافعی پرشور از تنزیه الهی، با سلاح براهین کلامی، حصار مستحکم در برابر تهاجمات فکری عصر خویش برافراشت. در مقابل، طباطبائی، همچون حکیمی بصیر و عارفی روشن‌ضمیر، با نفوذ به لایه‌های ژرف‌تر وجود و با اتکا به روش بی‌بدیل "تفسیر قرآن به قرآن"، توحید را از مرتبه یک مفهوم صرف، به یک حقیقت جاری در تمام ابعاد هستی و زندگی ارتقا بخشید و پاسخی جامع‌تر و پویاتر به الحاد مدرن ارائه داد.

این تفاوت در رویکردها، نه نشانه‌ای از تعارض، بلکه گواه باروری و پویایی شگفت‌انگیز اندیشه اسلامی است؛ اندیشه‌ای که در هر عصر، متناسب با چالش‌های فکری آن دوران، نقاب از چهره حقیقت برمی‌گیرد. نتیجه این تحلیل، فراتر از صرف مقایسه آراء، تجلی بینش عمیق و ظرفیت نامحدود عقل و وحی برای روشننگری در ظلمت‌های جهل و تردید است.

افق‌های نوین: پیشنهادات برای پژوهش‌های آینده

این گام نخستین، دریچه‌ای به سوی افق‌های بی‌کران پژوهش‌های آتی می‌گشاید. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران ارجمند، با الهام از این مسیر، در جهت گشودن لایه‌های پیچیده‌تر این مباحث گام بردارند:

۱. بررسی تطبیقی رویکرد این دو مفسر به مباحث نبوت و معاد در پرتو مواجهه با الحاد: آیا مواجهه آنان با انکار نبوت یا معاد، تفاوت‌های مشابهی را با رویکردشان به توحید آشکار می‌سازد؟

۲. تحلیل تأثیر مکاتب فلسفی و کلامی بر روش‌شناسی تفسیری فخر رازی و علامه طباطبائی در تبیین توحید: تعمیق در

این بُعد می‌تواند پیوند ناگسستنی مبانی نظری و روش تفسیر را بیشتر نمایان سازد.

۳. بررسی چگونگی مواجهه تفاسیر معاصر با الحاد در پرتو دستاوردهای فخر رازی و علامه طباطبائی: آیا مفسران امروزی، میراث این دو بزرگوار را در پاسخ‌گویی به اشکالات نوین الحاد به کار گرفته‌اند؟

۴. مطالعه تطبیقی مفهوم "شرک خفی" و "شرک جلی" در آثار این دو مفسر: عمق‌بخشی به این بحث می‌تواند ابعاد عرفانی و اخلاقی توحید را بیشتر آشکار سازد.

۵. تحلیل معناشناختی واژگان کلیدی مربوط به توحید و الحاد در تفاسیر مورد نظر: این رویکرد می‌تواند ظرایف و تفاوت‌های معنایی در کاربرد این واژگان را در بستر هر تفسیر نشان دهد.

۶. بررسی تأثیر رویکرد این دو مفسر بر کلام جدید و فلسفه‌های مضاف (مانند فلسفه علم و فلسفه دین) در مواجهه با چالش‌های الحادی: آیا اندیشه‌های این بزرگان، توانایی ارائه راه‌حل‌های نوین برای مسائل فلسفی و کلامی امروز را داراست؟

چشم‌اندازی صادقانه: محدودیت‌های پژوهش

هرچند این پژوهش تلاش وافر برای رسیدن به عمق و دقت مبذول داشت، اما باید با صداقت به محدودیت‌های ذاتی آن نیز اعتراف نمود. وسعت اندیشه و گستردگی آثار فخر رازی و علامه طباطبائی، ایجاب می‌کند که هر پژوهشی، تنها برش کوچکی از دریای بیکران دانش آنان باشد. از این رو، این مطالعه:

متمرکز بر جنبه‌های اصلی توحید و مواجهه با الحاد بود و از تفصیل در تمامی ابعاد آراء این دو بزرگوار اجتناب ورزید.

بیشتر بر مباحث کلامی و فلسفی تمرکز داشت و کمتر به جنبه‌های فقهی، ادبی و عرفانی تفاسیر این دو پرداخت که خود مستلزم پژوهش‌های مستقل و عمیق‌تر است.

محدود به دسترسی به منابع اصلی و ثانویه موجود بود و طبیعی است که هر منبع جدیدی می‌تواند ابعاد تازه‌ای به بحث بیفزاید.

پاسخی جامع به تمامی شبهات الحادی در دوران‌های مختلف نیست؛ بلکه صرفاً رویکردهای این دو مفسر را در مواجهه با نمونه‌هایی از این شبهات مورد بررسی قرار داد.

در نهایت، این پژوهش، نه خط پایان، که نقطه آغازی است برای ژرف‌نگری‌های آتی، و دعوت‌نامه‌ای است به خردورزان برای پیمودن مسیرهای ناپیموده در باغ پر بار حکمت اسلامی. باشد که این تلاش، گامی هرچند کوچک در راستای فهم عمیق‌تر حقیقت و روشنگری در مسیر خردورزی باشد.

منابع

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. قم: نشر اسراء.

رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۳۹۹ق). البرهان فی علوم القرآن. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار إحياء الکتب العربیة.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۰). بحوث فی الملل و النحل. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه‌السلام.

سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب بن علی (۱۴۱۴ق). طبقات الشافعیة الکبری. تحقیق محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح الحلو. قاهره: هجر للطباعة والنشر.

شهرستانی، عبدالکریم (۱۹۹۲). الملل و النحل. تحقیق احمد فهیمی محمد. بیروت: دار المعرفة.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عبدالجبار، قاضی (۱۹۶۲). المغنی فی أبواب التوحید و العدل. تحقیق احمد فؤاد الأهوانی. قاهره: الدار المصریة للتألیف و الترجمة.

فارابی، ابونصر (۱۹۸۵). المدینة الفاضلة. تحقیق البیر نصری نادر. بیروت: دار المشرق.

گیلانی، محمد سید (۱۹۹۰). المباحث الکلامیه فی التفاسیر القرآنیة. قاهره: دار الکتب العلمیه.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). راهی به رهایی. تهران: نشر نگاه معاصر.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.

مظفر، محمد رضا (۱۴۱۸ق). عقائد الإمامیة. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.

Dallal, Ahmad (2010). Islam, Science, and the Challenge of Modernity. New Haven: Yale University Press
Esack, Farid (1997). Qur'an, Liberation and Pluralism: An Islamic Perspective of Interreligious Solidarity
Against Oppression. Oxford: Oneworld Publications

Frank, Richard M. (2005). Al-Ghazali and the Ash'arite School. Durham, NC: Duke University Press
Gadamer, Hans-Georg (2004). Truth and Method. Translated by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall.
2nd revised ed. New York: Continuum

Hallaq, Wael B. (2009). An Introduction to Islamic Law. Cambridge: Cambridge University Press
McGrath, Alister E. (2007). The Twilight of Atheism: The Rise and Fall of Disbelief in the Modern World.
New York: Doubleday

Nasr, Seyyed Hossein (1993). An Introduction to Islamic Cosmological Doctrines: Conceptions of Nature
and Methods of Its Study, from the Works of Ikhwan al-Safa', al-Biruni, and Ibn Sina. Albany, NY: State
University of New York Press

Rosenthal, Erwin I. J. (1965). Islam in the Modern National State. Cambridge: Cambridge University Press

Sachedina, Abdulaziz (1998). The Just Ruler in Shi'ite Islam. New York: Oxford University Press

Shahab Ahmed (2015). What is Islam? The Importance of Being Islamic. Princeton: Princeton University
Press